

شمس تبریزی

شمس تبریزی کیست، که اینچنین مولانا را آشفته و "بیدل‌ودستار" می‌نماید؟ و مولوی را برآن می‌دارد که دیوان شعری بسیار با ارزش و فاخر ...



شمس تبریزی کیست، که اینچنین مولانا را آشفته و "بیدل‌ودستار" می‌نماید؟ و مولوی را برآن می‌دارد که دیوان شعری بسیار با ارزش و فاخر به نام شمس بسراید و به وی تقدیم کند (دیوان شمس تبریزی). در واقع ما شمس تبریزی را بیشتر از طریق مولانا و از پنجره سروده‌ها و غزل‌های شوریده وی است که می‌شناسیم. در باره شمس تبریزی اطلاعات و آگاهی فراوانی در دست نیست، بیشتر آنچه که در مورد او در دسترس است به افسانه و غلو آلوده شده است. اما آنچه که روشن است اثری است که شمس بر مولوی می‌گذارد و زندگی [مولوی را مملو از عشق، عرفان و وارستگی می‌نماید و او همچون صوفی صاف شده‌ای تولدی دیگر می‌یابد. شمس تبریزی آنچنان زیربنای اندیشه‌ی مولوی را تحت تأثیر خود قرار می‌دهد، که او را تا پایان زندگی مست و سرگشته و دیوانه می‌کند. من مست و تو دیوانه، ما را که برد خانه

اما در باب آشنایی و سرگشتگی مولوی به شمس، داستان‌ها و قصه‌های فراوانی گفته شده‌است، که به احتمال نزدیک به یقین بیشتر افسانه و غیره واقعی هستند. شخصیت واقعی شمس تبریزی هم مانند منصور حلاج و دیگر بزرگان در هاله‌ای از افسانه‌ها و دریایی از کرامات گوناگون پنهان شده و همچنین گرد زمان و کمبود یا نبود اطلاعات و آگاهی کافی پیرامون آنان، شکلی جادویی به شخصیت و زندگی این افراد داده است! آیا می‌توان از شمس سخن گفت، بدون اینکه به مولانا اشاره‌ای کرد؟ همچنین به گونه‌ی دیگر هرگاه از مولانا سخن می‌گوییم، نام شمس تبریز ناخودآگاه بر زبان می‌رود! این بدان معنی است که این دو به گونه‌ی باور نکردنی و غریبی درهم آمیخته شده‌اند.

خود مولوی وقتی که شرح اولین ملاقاتش با شمس را بیان می‌کند (البته بدون نام بردن شمس) از زبان شمس می‌گوید که:

تو شمع شدی قبله این جمع شدی، و من به او گفتم :

شمع نیم جمع نیم دود پراکنده شدم

گفت که شیخی و سری پیشرو و راهبری

شیخ نیم پیش نیم امر تو را بنده شدم

در حقیقت شمس او را ملامت کرده بود که آقایی، رهبری، سروری، شیخی، پیشی، و مریدان بدنالت هستند چگونه می‌توانی حرکت کنی، اینها را بریز تا سبک شوی بتوانی پرواز کنی